دو فصلنامهٔ **نظریه و عمل در برنامهٔ درسی**
سال پنجم، شمارهٔ ۹، بهار و تابستان۱۳۹۶، ۱۴۲-۱۰۵

Journal of Theory & Practice in Curriculum
Vol.9 (5); 2017, 105-142

تبیین عناصر برنامه درسی کارآفرینی در دوره آموزش عمومی (سنتزپژوهی)[۱]

Explanation of Entrepreneurship Curriculum Components in General Education(Synthesis Inquiry)

نیلوفر مرتضی نژاد[۲]، دکتر محمد عطاران[۳]، دکتر علی حسینی خواه[۴]،دکتر عفت عباسی[۵]

N. Mortazanejad, M.Attaran(Ph. D), A.Hosseinikhah (Ph.D), E.Abbasi(Ph.D)

چکیده: آموزش کارآفرینی از حوزه‌های علمی‌ای است که رشد سریعی دارد اما محتوا و روش تدریس آن مبهم است. در این مقاله مطالعات موجود دربارهٔ عناصر برنامهٔ درسی کارآفرینی – اهداف، محتوا، رویکردهای تدریس و ارزشیابی – گردآوری و با سنتز آن‌ها ترکیبی بهینه ارائه شده است. معیار انتخاب این مطالعات، مطالعهٔ یک یا چند عنصر فوق در دورهٔ آموزش عمومی، طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۰۰ بوده است. در پایان هر بخش تجمیع یافته‌ها و نتیجه‌گیری کلی ارائه شده است. طبق یافته‌های تحقیق، اهداف دورهٔ ابتدایی، آشنایی با مفاهیم پایه، انگیزه، علاقه و روحیهٔ کارآفرینانه و در دورهٔ متوسطه، پرورش مهارت‌ها و شایستگی‌های کارآفرینی است. محتوا منطبق بر اهداف بوده و در سه سال نخست ابتدایی، تلفیقی و پس از آن به هر دو حالت تلفیق و درس جداگانه است. رویکردهای فعال تدریس، به‌ویژه رویکردهای استقرایی و شهودی مناسب‌اند. رویکردهای ارزشیابی اصیل و عملکردی تناسب بیشتری با ماهیت کارآفرینی دارند؛ در نهایت باید اضافه کرد که ارزشیابی‌های تکوینی در این عرصه حائز اهمیت هستند.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، هدف، محتوا، راهبردهای تدریس، ارزشیابی، سنتز پژوهی

Abstract: Even though entrepreneurship education (EE) is a fast growing field; its content and teaching strategies is vague. This paper collected the studies according to their goals, content, teaching and evaluation approaches of EE, and through synthesizing, provided an appropriate compound of them. The criteria for selection of the studies was based on one of the above-mentioned components, among 2000-2016. Findings of each component have been discussed and by synthesizing them, the final conclusion has been approved. According to this study, EE goals in elementary level include, familiarizing with basic concepts, motivation, interest and entrepreneurial spirit. The secondary level objectives are promotion of entrepreneurial skills and competencies. Content in the first three years, is integrative and after then would be delivered in two types including integrative and discreted.. Active teaching strategies, especially inductive and intuitive types, are appropriate. The authentic evaluation methods and formative evaluation approaches are more fit with entrepreneurship nature.

Keywords: Entrepreneurship, Objective, Content, Teaching Strategies, Evaluation, Synthesis Inquiry

---

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری «ارایه راهنمای طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی کارآفرینی برای سطح آموزش عمومی بر مبنای رویکرد تطبیقی می‌باشد که در دانشگاه خوارزمی انجام شده است تاریخ دفاع : ۱۳۹۶/۱۱/۱۱

۲.دانشجوی دکتری،دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، رایانامه : n.mortazanejad@gmail.com

۳.دانشیار دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، ، رایانامه : attaran_m@yahoo.com

۴.استادیار دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، رایانامه:h.ali.tmu@gmail.com

۵. دانشیار دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، رایانامه:effatabbasi@gmail.com

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

مقدمه

امروزه ضرورت بیشتری برای انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق نظام آموزشی با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، شخصی و فناورانه وجود دارد و رویکردهای نوین در پی یافتن راهی برای ارتقاء انگیزش، خودباوری و مهارت‌های متناسب با برنامه‌های درسی منعطف هستند. همچنین بر فردگرایی، رشد ابعاد وجودی و شخصیتی، مانند تفکر اصیل، استدلال، خلاقیت، نوآوری و قابلیت‌های کارآفرینانه تأکید می‌شود. تعلیم و تربیت نوین، نیاز به آزادی در یادگیری و یاددهی و رویکردهای یادگیری فعال دارد، به‌ویژه باید روابط چند بُعدی بین مفاهیم کارآفرینی و تجارب کارآفرینی در جامعه برقرار شود. تحقیق انجام گرفته از سوی دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM[1]) در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۱ تأیید می‌کند که آموزش، نقشی بسیار مهم در کارآفرینی ایفا می‌کند. تجهیز افراد به مهارت‌های کارآفرینی یکی از نخستین اولویت‌های شناسایی شده در تمام کشورهای عضو GEM بوده است (دیده‌بان جهانی کارآفرینی، ۲۰۱۱). از سوی دیگر طرح ملی کاشف (کارآفرین شایسته برای فردا) از سال ۱۳۹۰ تاکنون به بررسی استعدادها و توانمندی‌های کارآفرینانهٔ دانش‌آموزان دورهٔ اول متوسطه در سراسر کشور پرداخته است که بر اساس دستاوردهای آن، دانش‌آموزان ایرانی از استعداد و توان بالقوهٔ مناسب در این زمینه برخوردار هستند، لیکن نظام آموزشی مهارت آموز نیست و برنامه‌های درسی، منطبق بر پرورش این شایستگی‌ها طراحی نشده‌اند و از سوی دیگر گاه معلمان با انجام اشتباهاتی ناخواسته مانع از شکوفایی توانایی‌های کارآفرینانه در دانش‌آموزان می‌شوند؛ بنابراین تردیدی در اهمیت بررسی دقیق‌تر عناصر مربوط به آموزش کارآفرینی و برنامه‌ریزی حساب شده برای تقویت شایستگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه، به‌ویژه در نسل جوان جامعه، وجود ندارد.

سازمان آموزش‌وپرورش به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد آموزشی در این زمینه نقشی مهم بر عهده دارد؛ به‌منظور انجام بهینهٔ چنین نقش حساسی، لازم است از سوی این سازمان، برنامه‌ای جامع و مدون برای آموزش کارآفرینی تهیه و اجرا شود. یکی از شیوه‌های تهیهٔ

1 Global Entrepreneurship Monitor

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

هر نوع برنامه‌ای نیز مراجعه به نتایج پژوهشی و خرد جمعی، برای جلوگیری از تکرار و اتلاف منابع مهمی همچون زمان و نیروی انسانی است؛ تاکنون تحقیق مشابهی در ایران به شیوهٔ سنتز پژوهی انجام نپذیرفته است، تحقیقات خارجی نیز اغلب به بررسی یک یا دو عنصر برنامهٔ درسی اکتفا کرده‌اند؛ بنابراین این پژوهش به لحاظ پرداختن به عناصر بیشتر و نیز بررسی و سنتز توأمان مطالعات داخلی و خارجی کم‌نظیر است. در این مطالعه تلاش شده است بازبینی مطالعات خارجی (طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۰۰) و داخلی (۱۳۹۵-۱۳۸۰) دستاوردهای دانش بشری در حوزه برنامهٔ درسی کارآفرینی در دورهٔ آموزش عمومی، با تأکید بر چهار عنصر اساسی برنامهٔ درسی (اهداف، محتوا، راهبردهای تدریس و رویکردهای ارزشیابی) و سنتز و ترکیب آن‌ها انجام و چارچوبی برای تدوین برنامهٔ درسی کارآفرینی در کشور، پیشنهاد شود. در همین راستا چهار سؤال اساسی مطرح شد:

۱. یافته‌های پژوهشی، اهداف برنامهٔ درسی کارآفرینی در دورهٔ آموزش عمومی را چگونه تبیین می‌کند؟
۲. یافته‌های پژوهشی، محتوای برنامهٔ درسی کارآفرینی در دورهٔ آموزش عمومی را چگونه تبیین می‌کند؟
۳. یافته‌های پژوهشی، راهبردهای تدریس برنامهٔ درسی کارآفرینی در دورهٔ آموزش عمومی را چگونه تبیین می‌کند؟
۴. یافته‌های پژوهشی، رویکردهای ارزشیابی از برنامهٔ درسی کارآفرینی در دورهٔ آموزش عمومی را چگونه تبیین می‌کند؟

روش‌شناسی

پژوهش تلفیقی، عبارت از انتخاب مطالعات دربارهٔ یک موضوع و مرور و سازمان‌دهی آن‌هاست به نحوی که به حسب سؤال‌های مختلف و درعین‌حال مرتبط به بررسی،

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

تحلیل و ترسیم الزامات مربوط به دانسته‌ها و موارد مستلزم مطالعهٔ بیشتر بپردازد که شامل مراحل تعاملی ذیل است:

۱- شناسایی پژوهش‌های نظری و تجربی موجود برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ میلادی و در مورد مطالعات داخلی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ که حداقل یکی از عناصر برنامهٔ درسی کارآفرینی را مطالعه کرده باشند.

۲- بازنگری و تحلیل مفهومی عناصر مهم: مطالعات شناسایی‌شده تحلیل و بررسی و عناصر مهم موجود در آن‌ها به لحاظ مفهومی به‌دقت تعریف شدند تا از بروز و ظهور مشکلات مربوط به مفهوم‌پردازی و برداشت‌های مختلف از یک مفهوم جلوگیری به عمل آید.

۳- شناسایی اطلاعات یا دسته‌های مفهومی بر اساس الگوهای حاصل از تحلیل‌های قبلی برای بررسی دقیق‌تر اطلاعات.

۴- کنار هم گذاشتن اطلاعات در درون هر دسته برای تفسیر کار.

۵- ترکیب و تفسیر: با توجه به اطلاعات حاصل از مراحل قبل، موارد بهینه در تمام مؤلفه‌های مربوط به برنامهٔ درسی مشخص شد.

سنتز پژوهی دارای سه مرحلهٔ عمده و اساسی است که پژوهش حاضر نیز بر اساس این سه مرحله پیش رفته است. این سه مرحله در جدول ذیل به‌اختصار بیان شده‌اند:

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

جدول ۱-۳ مراحل انجام سنتز پژوهی

مرحله	زیر مرحله	توضیحات در مورد پژوهش حاضر
مرحلهٔ اول تعیین جغرافیای پژوهش و پژوهش‌هایی که مقرر است از یافته‌های آن‌ها استفاده شود	الف) تعیین پارامترهای جستجو (مانند تاریخ انتشار، نوع پژوهش و ...)	– پژوهش‌های مربوط به سال ۲۰۰۰ و پس از آن و در مورد پژوهش‌های داخلی، تحقیقات مربوط به سال ۱۳۸۰ و پس از آن – گسترهٔ جغرافیایی: تمام کشورها – نوع پژوهش: تمام مطالعات نظری، ارزیابانه و تجربی[1]
	ب) تعیین معیارهای انتخاب اسناد گردآوری شده در مرحلهٔ قبل	مرتبط بودن با سؤالات پژوهش حاضر کیفیت پژوهش به لحاظ اعتبار ابزارها و روش‌های تحلیل مورد استفاده
	ج) تعیین راهبرد جستجوی اسناد و پایگاه‌ها	– تدوین کلیدواژه‌های مرتبط با آموزش کارآفرینی[2]؛ پرداختن به حداقل یکی از عناصر برنامهٔ درسی کارآفرینی اعم از اهداف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی – تعیین پایگاه‌های داده‌ای[3]
مرحلهٔ دوم نقد نظام‌مند اسناد منتخب	الف) غربال‌گری درشت	چکیده اسناد مطالعه شد و سپس بر اساس دو معیار کلی و عمدهٔ «کیفیت» و «مرتبط بودن»، اسناد مناسب انتخاب شدند؛ مثلاً مقالاتی که مربوط به دورهٔ آموزش عالی یا دوره‌های غیر رسمی بودند، کنار گذاشته شدند. در پایان این مرحله ۳۲۶ سند باقی ماند.
	ب) عنوان غربالگری	کل متن اسناد بررسی و با توجه به دو معیار

۱ از جستجوی اولیه ۴۳۸ مقاله و سند به دست آمد که پس از اعمال معیارهای انتخاب، اسناد باقی مانده برای ورود به مرحلهٔ بعد، ۲۵۳ عدد بودند.

2 Entrepreneurship, entrepreneur, entrepreneurial, innovation, creation, start-ups, etc.

3 ProQuest, ERIC, Elsevier, Magiran, Norrmags, IranDoc, Sivilica, etc.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

مرحله	زیر مرحله	توضیحات در مورد پژوهش حاضر
		فوق، دست به انتخاب زده شد؛ در پایان این مرحله، تعداد مقالات باقی‌مانده به ۲۵۳ مورد رسید.
	ج) واکاوی	اسناد باقی مانده، مجدداً شبیه به مراحل کدگذاری آزاد و مقوله‌ای در گراندد تئوری، بر اساس سؤالات پژوهش، طرح تحقیق، روش‌های تولید و تحلیل داده‌ها، یافته‌ها و محدودیت‌ها، بررسی و تشریح شدند؛ در این مرحله، نقد و ارزشیابی محقق نیز دربارهٔ هر کدام از اسناد مورد بررسی یادداشت شد.
مرحلهٔ سوم سنتز؛ خلق چیزی از عناصر جدا از هم	در این تحقیق از سنتز پژوهی ترکیبی[1] (در مقابل سنتز پژوهی تجمیعی[2]) (گاف، اولیور و توماس[3]، ۲۰۱۲) بهره گرفته شده است که در آن یافته‌های پژوهش‌های منتخب، خود مبدل به داده‌هایی می‌شوند که با داده‌های دیگر ترکیب و سپس با هویتی جدید بازآفرینی می‌شوند.	تجمیع و یکجا کردن بخش یافته‌های اسناد منتخب بازخوانی‌های مکرر و دقیق مقایسهٔ یافته‌های مشابه و متناقض (با نگارش در برگهٔ یادداشت‌های دارای رنگ‌های مشابه یا متفاوت) دسته‌بندی داده‌ها در ذیل مضامین بزرگ‌تر (مثل آموزش با استفاده از سبک یادگیری تجربی، آموزش با رویکرد پرورش خلاقیت و ...).

1 configurative
2 aggregative
3 Gough, Oliver& Thomas

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

پرسش ۱- یافته‌های پژوهشی، اهداف برنامهٔ درسی کارآفرینی در دورهٔ آموزش عمومی را چگونه تبیین می‌کند؟

در هر برنامهٔ درسی، اهداف از جمله اساسی‌ترین مقوله‌ها هستند که تدارک مناسب آن‌ها می‌تواند سایر اقدامات و مراحل برنامهٔ درسی را تسهیل کند. بر اساس *مدل یادگیری مادام‌العمر کنسرسیوم آموزش کارآفرینی (۲۰۱۴)*، اهداف یاددهی و یادگیری کارآفرینی در پنج مرحله دنبال می‌شوند:

۱. کسب مهارت‌ها و پیش‌نیازهای اساسی و شناسایی گزینه‌های شغلی؛

۲. کشف صلاحیت‌های کارآفرینی و درک اقتصاد و رقابت آزاد در سیستم اقتصادی؛

۳. آموختن صلاحیت‌های کارآفرینی، درخواست آموزش حرفه‌ای و آموختن نحوهٔ ایجاد یک شغل جدید؛

۴. خوداشتغالی و توسعهٔ روش‌ها و سیاست‌ها برای کسب‌وکار جدید یا موجود؛

۵. حلّ مؤثر مسائل کسب‌وکار و توسعهٔ کسب‌وکار موجود.

اریکلا[1] (۲۰۰۰) معتقد است هدف کارآفرینی، آموزش برای خلاقیت، نوآوری و سودمندی بیشتر است. گارتنر و وسپر[2] (۲۰۰۴) استدلال می‌کنند که ورود به یک کسب‌وکار به‌طور اساسی با مدیریت آن متفاوت است. آموزش کارآفرینی باید ماهیت مبهم ورود به کسب‌وکار را روشن کند.

مقیمی و احمدپور داریانی (۱۳۸۵) مهم‌ترین اهداف آموزش برنامهٔ درسی کارآفرینی را به شرح ذیل برمی‌شمرند:

1 Erkkila
2 Gartner, & Vesper

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

- کسب دانش مربوط به کارآفرینی؛
- کسب مهارت کاربرد فنون تحلیل فرصت‌های اقتصادی و ترکیب برنامه‌های عملیاتی؛
- شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت‌های کارآفرینانه؛
- القای مخاطره‌پذیری با استفاده از فنون تحلیلی؛
- ترغیب کسب‌وکارهای جدید؛
- سوق دادن نگرش‌ها به سمت تغییر.

شرفی، مذبوحی و مقدم (۱۳۹۱) مهم‌ترین اهداف آموزش کارآفرینی را عبارت از افزایش آگاهی کارآفرینانه، ایجاد نگرش مثبت نسبت به یادگیری مادام‌العمر، مهارت در شناسایی فرصت‌ها و تفکر واگرا، تقویت جرأت و قدرت تصمیم‌گیری دانسته‌اند.

علی‌میری (۱۳۸۷) اهداف آموزش کارآفرینی را پرورش تفکر خلاق، تفکر انتقادی و تفکر واگرا، مهارت حل مسئله، ارزش نهادن به اشتغال، تقویت مهارت‌های مربوط به شروع و ادارهٔ کسب‌وکار و برخورداری از روحیهٔ کارآفرینانه می‌داند.

حسینی‌خواه، سلیمی و رستگار (۱۳۸۶) هدف آموزش کارآفرینی را ارائهٔ مجموعه‌ای از مواد آموزشی مدون شامل دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های کارآفرینانه به منظور شناسایی فرصت‌های نادیده‌گرفته شده از سوی دیگران و نیز تقویت مهارت‌های اقدام‌محور و عمل‌گرا در راه‌اندازی و ادارهٔ کسب و کار برمی‌شمارند.

هیتی و اگرمن[1] (۲۰۰۴) اهداف کارآفرینی را در سه سطح طبقه‌بندی می‌کنند؛ یادگیری مفهوم کارآفرینی، یادگیری فرآیند کارآفرینی و یادگیری کارآفرین شدن؛ هر یک از این طبقات اهداف ویژه‌تری مانند دستیابی به مفاهیم و واژگان تخصصی در حوزهٔ کارآفرینی و کسب و کار، برخورداری از روحیهٔ کارآفرینانه، خلاقیت، نقادی و ریسک‌پذیری و تدوین طرح کسب و کار، شروع کسب و کار مقدماتی و آزمایشی و تصمیم‌گیری‌های شغلی مشخص دارند.

1 Hytti & O'Gorman

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

ماسالویبا[1] (۲۰۰۸) با تحلیل محتوای ۲۰ مقالهٔ مرتبط با اهداف کارآفرینی نشان می‌دهد که مهم‌ترین اهداف کارآفرینی به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: تقویت روحیهٔ کارآفرینی، شروع کسب و کار، خدمت به اجتماع و برانگیختن مهارت‌های کارآفرینی؛ بنابراین هدف آموزش کارآفرینی باید آماده کردن فرد برای ورود به دنیای واقعی کارآفرینی باشد. همچنین؛

۱. برنامه‌های آموزش کارآفرینی باید بر اساس نیازهای آموزشی افراد و مبتنی بر مدل‌های بومی، تلفیقی از تجربه، مهارت، دانش و توانایی باشند.
۲. ضروری است برنامه‌های آموزش کارآفرینی مبتنی بر رویکرد میان‌رشته‌ای تدوین گردد و از نگاه تک‌درسی و یا ارائهٔ فصلی تحت عنوان کارآفرینی به رویکرد مبتنی بر دوره یا رشته تغییر داده شود.
۳. آموزش کارآفرینی باید با حمایت و پشتیبانی از نیروهای کارآفرین همراه باشد تا افراد با دلگرمی و فراغت بیشتری فعالیت‌های کارآفرینانه را پیگیری نمایند.

چند عامل در تعیین و انتخاب اهداف در آموزش کارآفرینی مؤثرند:

۱. **گروه هدف**: مخاطبان آموزش کارآفرینی یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر نوع و گسترهٔ اهداف دوره‌های رسمی و غیررسمی آموزش کارآفرینی‌اند. از آنجایی که مطالعهٔ حاضر به آموزش کارآفرینی در دورهٔ آموزش عمومی می‌پردازد، در انتخاب پژوهش‌ها بر مطالعاتی تمرکز شده است که به بررسی دوره‌های رسمی آموزش کارآفرینی در مقاطع ابتدایی و متوسطه پرداخته‌اند؛ تقریباً در تمام تحقیقات به این موضوع توجه شده است که هدف در مقاطع پایین‌تر، بیشتر از نوع آشنایی نظری با مباحث کارآفرینی، کسب روحیهٔ کارآفرینانه و ایجاد علاقه و نگرش مثبت نسبت

1 Mwasalwiba

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

به کارآفرینی از طریق آموزش‌های غیرمستقیم‌تر و گنجاندن مفاهیم و ارزش‌های کارآفرینانه به‌صورت تلفیقی در دروس مختلف است. در مقطع متوسطه، دروس حالت اختصاصی‌تر دارند و بر مهارت‌آموزی و پرورش شایستگی‌های کارآفرینانه و رشد قابلیت‌های حرفه‌ای، تدوین طرح کسب و کار و ارائهٔ پروژه‌های مقدماتی و اساسی متمرکز می‌شوند.

۲. *آموخته‌های پیشین*: لزوم نیاز به دورهٔ آموزشی خاصی برای افراد و گروه‌های مختلف، متناسب با ابعاد تخصصی و علمی ایشان بر کسی پوشیده نیست. از این رو دوره‌های آموزشی را می‌توان در دو سطح «عمومی» و «تخصصی» طبقه‌بندی کرد. دوره‌های عمومی به طور عام برای کلیهٔ شرکت‌های تولیدی و خدماتی ارائه می‌شود و به آموزش مواردی از قبیل ارائهٔ دانش و مهارت لازم جهت تأسیس شرکت و حتی جستجوی یک اندیشهٔ جدید به‌عنوان یک پروژه در ذهن شرکت‌کنندگان و نیز انجام پروژه‌های عملی برای ارائهٔ طرح‌های مخاطره‌آمیز و توسعه و تکمیل آن، ارائهٔ آموزش‌های مدیریتی و مشاوره‌ای برای شرکت‌های نوپا و رو به رشد در زمینه‌های مختلف تخصصی، تلفیق مفهوم مدیریت و فعالیت‌های کارآفرینانه با یکدیگر و به عبارتی ایجاد مهارت و توانایی مدیریت، فعالیت‌های مخاطره پذیر و بدیع می‌پردازد. (حسن‌مرادی، ۱۳۸۵).

۳. *فرهنگ جامعه:* هرچه فرهنگ یک جامعه، بیشتر مشوّق خلاقیت، کنجکاوی، نقادی و رقابت سالم باشد و آموزش و پرورش در آن با صنایع و کسب و کارهای مختلف موجود، شبکه‌های ارتباطی اثربخش‌تری برقرار کند، امکان بروز کارآفرینی در آن بیشتر است و بالعکس در جوامع سنتی با فرهنگ محافظه‌کارانه، نرخ کارآفرینی و استقبال از آن پایین‌تر است؛ بنابراین فرهنگ‌سازی از طریق تبلیغات

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

گسترده، رسانه‌های جمعی و نیز حمایت از کارآفرینان امری مهم و ضروری است که باید در تدوین اهداف آموزش کارآفرینی به طور ویژه مدّ نظر قرار گیرد.

۴. *شرایط اقتصادی:* شرایط ویژهٔ کشورهای در حال توسعه به لحاظ اقتصادی، بیشترین انگیزهٔ کارآفرینی را در افراد سبب می‌گردد. این شرایط در تدوین اهداف برای آموزش کارآفرینی نیز نقش دارد و هر کدام از کشورها بنا بر شرایط اقتصادی موجود و در جهت بهبود آن اقدام به سیاست‌گذاری و طرح اهداف کلان خود در حوزهٔ آموزش کارآفرینی می‌پردازند.

۵. *همکاری سایر سازمان‌ها و مؤسسات:* قطعاً وجود یا فقدان پیوندهای ارتباطی مناسب بین سازمان آموزش و پرورش با سایر نهادها نقش مهمی در سیاست‌گذاری و تعیین اهداف آموزش کارآفرینی خواهد داشت. هرچه این روابط تنگاتنگ و تعریف‌شده‌تر باشد، می‌توان اهداف بلندمدت‌تر و کارآمدتری را در برنامه تدارک دید و نسبت به تحقق آن‌ها خوش‌بین بود. اهدافی همچون شبکه‌سازی، تجربهٔ محیط واقعی کار، جذب سرمایه برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید و به طور کلی موفقیت دوره‌های آموزش کارآفرینی، تابعی از میزان و کیفیت همکاری با سایر سازمان‌ها و مؤسسات صنعتی و تجاری است.

۶. *هدف از برگزاری دوره:* معمولاً هدف از برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی، تغییر در هر سه حوزهٔ دانش و معلومات، نگرش، بینش و طرز تلقی و توانش و مهارت‌ها در خصوص کارآفرینی است. لیکن بسته به اهداف ویژهٔ دوره، ممکن است میزان تأکید بر آن‌ها متفاوت باشد. در صورتی که هدف، آشنایی اولیه برای مخاطبان وسیع‌تر باشد، بیشتر بر حوزهٔ دانش و به ویژه ایجاد نگاه مثبت‌تر و بعد عاطفی دوره تأکید می‌شود ولی در دوره‌های تخصصی‌تر، حوزهٔ روانی- حرکتی و تقویت مهارت‌ها و شایستگی‌های کارآفرینانه بیشتر مدّ نظر است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

پرسش ۲- یافته‌های پژوهشی، محتوای برنامهٔ درسی کارآفرینی در دورهٔ آموزش عمومی را چگونه تبیین می‌کند؟

برای اینکه افراد، سهم خودشان را در اقتصاد و جامعه به‌عنوان کل درک کنند در وهلهٔ اول باید دربارهٔ کارآفرینی و همین‌طور دربارهٔ خودشان یاد بگیرند و این اولین گام برای کشف است. لوسزکیو[1] (۲۰۰۸) محتوا و مراحل آموزش کارآفرینی را به دو گام تقسیم می‌کند؛ نخست خصوصیت‌های کارآفرینی و مهارت‌های پروژه شامل مدیریت پروژه، نوآوری، بازاریابی و ارتباطات. دوم مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینی شامل رهبری، شبکه‌سازی، برنامه‌ریزی اقتصادی و برنامه‌ریزی استراتژیک.

سولومون (۲۰۰۸)، با نظرسنجی از ۲۷۹ نفر از دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه در ایالات‌متحده امریکا دربارهٔ دروس ضروری، نشان می‌دهد که ۵۳ درصد درس کارآفرینی، ۳۶ درصد مدیریت کسب و کارهای کوچک و ۳۰ درصد خلق کسب و کار جدید را انتخاب کرده‌اند. تیمونز و استونسون[2] (۲۰۰۵) با مطالعهٔ ۶۰ نفر از کارآفرینان موفق در مورد مهارت‌ها، مفاهیم و نگرش‌های لازم و مناسب برای دورهٔ آموزش عمومی، نشان می‌دهند که ۷۲ درصد از پاسخگویان معتقدند «*اخلاق*» می‌تواند و باید به‌عنوان بخشی از برنامهٔ درسی تدریس شود؛ رفتار اخلاقی، هسته اصلی موفقیت بلندمدت در کسب و کار است. ماسالویبا (۲۰۰۸) براساس تحلیل محتوای ۲۰ مقاله مرتبط با کارآفرینی نشان می‌دهد که مهم‌ترین موضوعات در برنامه‌های درسی آموزش کارآفرینی عبارت‌اند از: مدیریت منابع و امور مالی، بازاریابی و مهارت فروشندگی، خلق ایده و کشف فرصت‌ها، برنامه‌ریزی کسب و کار، مدیریت رشد بنگاه، سازمان‌دهی و شبکه‌سازی، خلق کسب و کار جدید، مدیریت کسب و کارهای کوچک و ریسک‌پذیری.

1 Luczkiw
2 Timmons, & Stevenson

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

یادگیری در حوزهٔ کارآفرینی را می‌توان در پنج بعد خلاصه کرد:

۱. *یادگیری دربارهٔ خود:* درک نقاط قوت و ضعف شخصی، نیازهای فردی و خانوادگی، حیطه‌های توسعه فردی، علایق و انگیزه‌های فردی؛

۲. *یادگیری دربارهٔ کسب و کار:* درک ضعف‌ها و قوت‌های کسب و کار، فرصت‌ها و تهدیدها، نیازهای درونی کسب و کار، مدیریت کارکنان و رهبری آینده؛

۳. *یادگیری دربارهٔ محیط و شبکه‌های کارآفرینی:* نحوهٔ مدیریت ارتباطات مشتریان بالقوه و موجود، عرضه‌کنندگان و رقبا، گسترش و توسعه ارتباطات و خدمات پشتیبانی؛

۴. *یادگیری دربارهٔ مدیریت کسب و کار:* راه‌اندازی و کنترل مؤثر کسب و کار؛

۵. *یادگیری دربارهٔ ماهیت مدیریت ارتباطات:* درک منابع درونی و بیرونی ارتباطات.

محیط‌های کسب و کار دنیای مدرن از فعالیت‌های یادگیری انتظار دارند تا بر توسعهٔ مهارت‌های فردی از قبیل خودمدیریتی، مهارت‌های شنیداری، تشویق تلاش (گلف[1]، ۲۰۰۴)، مقابله با شکست‌ها، مهارت‌های تحلیل انتقادی، مهارت‌های حل مسئله (شوتیک[2]، ۲۰۰۱)، تفکر سیستمی، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی (استیفنسون[3]، ۲۰۰۷)، مهارت‌های تصمیم‌گیری، مدیریت تغییر و تحمل ابهام (وایتلی[4]، ۲۰۰۹)، مقابله با ناامیدی، همکاری با افراد مختلف، کارگروهی و مهارت‌های ارائه (ویلد[5]، ۲۰۰۴) تمرکز نمایند. هیتی و اگرمن (۲۰۰۴) اهداف و محتوای آموزش کارآفرینی را بر اساس جدول زیر ارائه می‌دهند:

1 Golff
2 Shotick
3 Stephenson
4 Wheatley
5 Wilde

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

جدول ۱- مدل آموزش کارآفرینی هیتی و اگرمن (۲۰۰۴)

اهداف تدریس	محتوا
یادگیری مفهوم کارآفرینی	عملی که کارآفرین انجام می‌دهد ماهیت کارآفرینی نیاز به کارآفرینان
یادگیری فرایند کارآفرینی	ایجاد ارزش در سازمان‌ها و حرفه‌های موجود
یادگیری کارآفرین شدن	توسعه و ارتقاء مهارت نحوهٔ شروع یک کسب و کار کوچک سودآور

بر پایهٔ یافته‌های هیندل[1] (۲۰۰۷)، سطوح یادگیری جوهانیسون و اولایسون[2] (۲۰۰۸) و پردازش فایول (۲۰۰۷) سه بُعد حرفه‌ای، نظری و معنوی را می‌توان در سازماندهی محتوا در آموزش کارآفرینی مد نظر قرار داد. بُعد حرفه‌ای، نخست با دانش کاربردی و تا حدودی با دانش نظری سروکار دارد و ناظر بر سه نوع دانش است: دانش چیستی (موضوع شناسی[3])، دانش چگونگی (فرآیند یا رویه شناسی[4]) و دانش یا شناخت کنشگران (فاعل شناسی یا کنش‌گرشناسی[5]). بُعد نظری از منظری گسترده به دانش می‌پردازد و به نظریه‌ها، مفاهیم و چارچوب‌ها، اثرات و دستاوردهای کارآفرینی و هر گونه پرسش مرتبط با پدیده یا فرآیند کارآفرینی معطوف است و بُعد غیرمادی و معنوی بیشتر به دانستن «چگونه بودن» یا دانش برای بودن معطوف است و عمدتاً بر دو جنبهٔ دانش چرایی و موقعیت‌شناسی و درک زمانی استوار است (شیخان، ۱۳۸۶). تلفیق ابعاد محتوایی برشمرده شده به صورت متوازن و مناسب می‌تواند موجب تشخیص موقعیت نسبی فرد فضا و زمان مرتبط با پدیدهٔ کارآفرینی شود.

1 Hindle
2 Johannisson, & Olaison
3 Know- what
4 Know- how
5 Know- who

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

مهم‌ترین موضوع در خصوص تدوین محتوا برای آموزش کارآفرینی این است که یادگیری و آموزش باید مبتنی بر توسعه مهارت‌ها برای اقتصاد جدید باشد (عبدالله‌زاده، شریف‌زاده، عربیون و طلایی، ۱۳۹۱)؛ به عبارت دیگر مهارت‌های مدیریتی که بسیار مورد تقاضاست و آموزش‌های کارآفرینی باید به آن بپردازند عبارت‌اند از:

- مشارکت در توسعه راهبردی سازمان؛
- دیدگاه وسیع نسبت به مسائل مدیریت شامل ظرفیت دیدن مسائل با توجه به زمینه و عوامل تأثیرگذار درونی و بیرونی؛
- مهارت‌های بین فردی، مدیریت پروژه، مذاکره، شبکه‌سازی و دیگر مهارت‌های اجتماعی؛
- مهارت‌های یادگیری فردی به‌ویژه توانایی یادگیری از دیگران، تبادل نظرات و تجارب؛
- تحلیل مدیریت انتقادی در سطح راهبردی.

محتوای آموزش کارآفرینی باید شناخت افراد را از مسائل اطراف خود بالا ببرد و قدرت تحلیل مسائل را به‌گونه‌ای متفاوت با دیگران به ایشان اعطا کند. همچنین قدرت تحلیل ریسک و شناخت فرصت‌ها را بیش از پیش گسترش دهد و به معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور، نیازهای بازار، مشتریان، کارفرمایان و بخش‌های مختلف اقتصادی و خدماتی بپردازد و جرقه لازم را برای خلق ایده و تبدیل آن به ارزش در دانش‌آموزان یا کارآفرینان آتی شعله‌ور سازد. مطالعهٔ زندگینامهٔ کارآفرینان و شنیدن تجارب ایشان به‌صورت بلا واسطه دارای اهمیت شایان توجه در این رابطه است و به همین دلیل در شیوه‌های آموزش نیز دعوت از کارآفرینان به‌عنوان سخنران مهمان از جمله راهبردهای مهم تدریس قلمداد شده است.

برنامهٔ درسی کارآفرینی از وجوه مختلف، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. به‌ویژه به لحاظ دو اصل اساسی در انتخاب محتوا – اصل ارتباط چندوجهی و یادگیری یکپارچه

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

و اصل اولویت صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک– گنجاندن چنین مبحثی در برنامهٔ درسی دورهٔ آموزش عمومی مورد تأیید و تأکید است. بر اساس اصل ارتباط چندوجهی و یادگیری یکپارچه، انتخاب و سازمان‌دهی محتوا باید به‌گونه‌ای باشد که آموزندگان را حتی‌الامکان در اشکال مختلف تفکر و تعقل، علم، کار و عمل و تلاش و اخلاق به‌طور یکپارچه رشد دهد. از سوی دیگر، صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک و تحقق حوزه‌های پنج‌گانهٔ اهداف کلی نظام آموزشی کشور، شامل تفکر و تعقل، ایمان و باور، علم، کار و عمل و اخلاق و آداب را تسهیل نماید.

به این منظور، اقدامات عملی و کاربردی باید از دوران کودکی و مقطع ابتدایی شروع شود و ویژگی‌ها و شایستگی‌های عمومی کارآفرینانه، از طریق تلفیق در دروس گوناگون و نیز مباحث اختصاصی، طبق اصل درونی سازی در وجود کودکان نهادینه شود و سپس بر اساس اصول وسعت و توالی، به شکلی نظام‌مند در دورهٔ متوسطه تداوم یابد و ضمن رعایت انعطاف‌پذیری و آزادی عمل، از گسستگی و دوگانگی در اهداف و اجرای برنامهٔ درسی دو دوره پرهیز شود.

پرسش ۳- یافته‌های پژوهشی، راهبردهای تدریس برنامهٔ درسی کارآفرینی در دورهٔ آموزش عمومی را چگونه تبیین می‌کند؟

تعیین شیوه‌های تدریس مناسب از مهم‌ترین اقدامات در برنامهٔ درسی کارآفرینی است؛ زیرا ماهیت کارآفرینی مؤید آن است که به‌کارگیری راهبردهای اثربخش می‌تواند ضامن موفقیت برنامهٔ درسی در دستیابی به اهداف تعیین شده باشد. محققان مختلف (رابیر[1]، ۲۰۰۰؛ اریکیلا، ۲۰۰۰؛ سولومون، دوفی و ترابیشی[2]، ۲۰۰۲) عقاید متفاوتی در مورد شیوه‌های تدریس کارآفرینی دارند. تدریس مبتنی بر سبک‌های یادگیری نیز در چند

1 Rabbior
2 Duffy, & Tarabishy

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

مطالعه بررسی شده است (دون[1]، ۲۰۰۴؛ کیکول، گاندری و باربوسا[2]، ۲۰۱۰؛ حسین، اسکات و هانون[3]، ۲۰۰۸؛ ماتلی[4]، ۲۰۰۵؛ و هیگارتی[5]، ۲۰۰۶).

یداللهی و میر عرب رضی (۱۳۸۸) بهترین روش‌های آموزش کارآفرینی را به ترتیب اولویت چنین می‌شمارند: روش‌های کاربردی و عملی، کارگاه آموزشی، روش آموزشی سمینار، روش آموزشی مصاحبه و ملاقات با کارآفرینان و روش آموزشی سخنرانی. وفایی (۱۳۹۱) برخی روش‌های نوین یاددهی- یادگیری در حوزهٔ آموزش کارآفرینی را عبارت از پرسش و پاسخ، بحث گروهی، ایجاد فضای گفتمان در شبکه‌های مجازی، انجمن دانش‌آموزان کارآفرین، روش راه‌اندازی کسب و کار، دوره‌های کارورزی و کارگاه‌های تابستانهٔ کارآفرینی می‌داند.

شاهماری سوها، آدیگوزلی و منافی شرف‌آباد (۱۳۸۹) نتیجه می‌گیرند روش‌های تدریس سخنرانی، بحث گروهی، نمایش خلاقیت و اکتشافی از جمله روش‌های اثربخش برای آموزش کارآفرینی هستند، ولی روش‌های یادسپاری، پرسش و پاسخ و ایفای نقش برای آموزش کارآفرینی مناسب نیستند. زالی، رضوی و کردنائیچ (۱۳۸۶) روش‌هایی مانند تدوین برنامه‌های کسب و کار، مطالعات موردی و سخنرانی توسط کارآفرینان یا سخنرانان میهمان را به‌عنوان رویکردهای مناسب تدریس در آموزش کارآفرینی معرفی می‌کنند.

زهینگ و لیو[6] (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند که رویکرد مدارس کسب و کار، بیشتر متمرکز بر گذشته است در حالی که رویکرد کارآفرینی در دنیای واقعی مبتنی بر موقعیت کنونی و با حداقل زمان برای تجزیه و تحلیل انتقادی است. در مدارس کسب

1 Dunn
2 Kickul, Gundry,& Barbosa
3 Hussain, Scott,& Hannon
4 Matley
5 Hegarty
6 Zheng,& Liu

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

و کار یادگیرنده بر اساس نظر کارشناسان و منابع مختلف به تصمیم‌گیری می‌پردازد در حالی که تصمیم‌گیری در دنیای واقعی مبتنی بر دانش و اطلاعات خود کارآفرین صورت می‌پذیرد و بنابراین در راهبردهای تدریس باید این شکاف برطرف شود. هنیون و پوکیجوکی[1] (۲۰۰۶) نیز در بررسی روش‌های هدفمند تدریس و آموزش کارآفرینی بر نقش محوری کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها و توجه بیشتر به آن‌ها در تدریس تأکید کرده‌اند.

امیری (۱۳۸۴) به‌کارگیری شیوه‌های سنتی را از جمله موانع اصلی آموزش کارآفرینی می‌داند و روش‌های تدریسی را پیشنهاد می‌کند که بیشتر مبتنی بر تجربهٔ فعال است، از قبیل شیوه‌های تشویق به غلبه بر شکست‌ها، مستقل بار آوردن یادگیرندگان و تسهیل استفاده از منابع اطلاعاتی متنوع مرتبط با مسائل.

کایرو[2] (۲۰۰۳) اذعان می‌کند که آموزش کارآفرینی، انسان را به‌عنوان یک کل در نظر می‌گیرد که دارای احساسات، عواطف، ارزش‌ها و علایق است؛ بنابراین تربیت کارآفرین نه تنها نیازمند دانش بلکه شیوه‌های نوین تفکر، نوع جدیدی از مهارت‌ها و الگوهای رفتاری است؛ آموزش کارآفرینی باید به رفتار کارآفرینانه منجر شود. تغییر تمرکز و نوع نگاه از آموزش کارآفرینی به رفتار کارآفرینی تأثیر فراوانی در رویکردها و شیوه‌های تدریس کارآفرینی دارد. برای پرورش دانش‌آموزانی با رفتار کارآفرینانه، تدریس دربارهٔ کارآفرینی یا سخنرانی و توضیح دربارهٔ نحوهٔ نوشتن طرح کسب و کار کافی نیست؛ بلکه آن‌ها باید ایده‌های برتر را کسب کنند و دارای ظرفیت‌های لازم و حمایت‌های کافی برای تعقیب و پیگیری آن‌ها در عمل باشند (بلینکر[3]، ۲۰۰۸). بروکهاس[4] (۲۰۰۳) استدلال می‌کند که آموزش کارآفرینانه باید مبتنی بر متغیرهای اساسی از قبیل گشودگی فکری، پردازش اطلاعات و عملکرد کلی تدوین گردد.

1 Heinonen, & Poikkijoki
2 Kyro
3 Blenker
4 Brockhaus

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

هیلز[1] (۲۰۰۲) معتقد است از میان روش‌های موجود، نوشتن طرح کسب و کار جدید مهمترین روش است؛ زیرا همانند یک برونداد عمل و به مربیان در ارزشیابی از فراگیران کمک می‌کند. سایر روش‌های مناسب تدریس عبارت‌اند از برگزاری گردش علمی و دعوت از کارآفرینان به‌عنوان سخنران میهمان و استفاده از دانش‌آموزان به‌عنوان مشاوران کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک که باعث می‌شوند دانش‌آموزان، بینشی عمیق و ارزشمند دربارهٔ مشاغل پیدا کنند هنون (۲۰۰۵) نیز معتقد است در آموزش کارآفرین، هدف باید تعیین جهت باشد؛ لذا باید محیطی را فراهم ساخت که یادگیری عملی و تجربی را آسان سازد. چون این نوع یادگیری نیاز به «انجام دادن» دارد، باید به سمت «تازگی» و «تجربه» و «عمل خلق فرصت‌ها» جهت داده شود و محیط‌های یادگیری متنوعی برای فراگیران فراهم آورد. کارآفرینان افرادی هستند که جرأت خلق کردن، اکتشاف فکری و پذیرش خطر را دارند و رویکردهای تدریس باید موقعیت لازم برای تمرین این ویژگی‌ها را ایجاد کنند.

لاناپان و دیواراج[2] (۲۰۱۱) روش‌های آموزش کارآفرینی را شامل مطالعهٔ موردی، بحث گروهی، ارائهٔ فردی، نوشتن گزارش فردی، پروژهٔ گروهی، سخنرانی، سخنران مهمان، سمینار، یادگیری مبتنی بر وب و فیلم ضبط شده می‌دانند .این در حالی است که به اعتقاد نیک و گرین[3] (۲۰۱۱) آموزش کارآفرینی در سطح جهانی به شدت متأثر از روش آموزش سخنرانی است، در حالی که اگر در آموزش کارآفرینی از سخنران مهمان استفاده شود و روی مباحث کارآفرینی و کارآفرینان بحث شود، نتیجه بهتری حاصل خواهد شد (آراستی، حیدری و مبارکی، ۱۳۹۳). این موضوع در تحقیق سولومون (۲۰۰۷) در خصوص آموزش کارآفرینی در ایالات‌متحده نیز تأیید شد و وی به این نتیجه رسید که روش‌های آموزش کارآفرینی بیشتر به سمت روش‌های مبتنی بر به اشتراک‌گذاری دانش مانند سخنران مهمان و بحث‌های کلاسی در حال گسترش است.

1 Hills
2 Lonappan,& Devaraj
3 . Neck and Greene

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

پوتر[1] (۲۰۰۸) مهم‌ترین انواع روش‌های تدریس کارآفرینی را عبارت از سخنرانی کلاسی، تدوین طرح کسب و کار، مطالعهٔ موردی، دعوت از کارآفرینان به‌عنوان سخنران مهمان، بازی‌های کسب و کار، بحث گروهی، کارورزی در شرکت‌های کوچک، الگوهای مشاوره‌ای، آموزش از راه دور و رویکردهای مشارکتی و همیارانه، می‌داند.

مراجعه به ادبیات رایج کارآفرینی، تغییر از آموزش سنتی کارآفرینی به سمت پذیرش روش‌های تدریس نوین کارآفرینی که مبتنی بر یادگیری به‌وسیلهٔ عمل است را نشان می‌دهند. نظام آموزشی، با شیوه‌های سنتی، قادر به توسعهٔ انگیزش، شایستگی‌ها و مهارت‌های مرتبط با کارآفرینی و نوآوری نیست؛ دوره‌های کارآفرینی باید یادگیرندگان را تشویق کند تا به جای پافشاری بر تنها یک راه درست، به روش‌های متفاوت به مسئله نگاه کنند. به جای این‌که همانند دیگران قالبی و کلیشه‌ای فکر کنند، با استفاده از تفکر خلاق شیوه‌های مختلف حل مسائل را بررسی نمایند دوره‌های کارآفرینی باید تفکر خلاق و مهارت‌های حل مسئله را در فراگیران پرورش دهد. مدرسان دوره‌های کارآفرینی باید خود نیز کارآفرین باشند و با چگونگی شناسایی، شکار و مدیریت فرصت‌ها و نحوهٔ آموزش آن‌ها به سایرین و شکوفایی استعدادهای آنان آشنایی کامل داشته باشند و بتوانند برنامهٔ درسی کارآفرینی را متناسب با نیازهای هر کلاس تنظیم کنند. همچنین باید آزادی کامل برای بررسی و تعیین اثربخشی شیوه‌های مختلف تدریس را داشته باشند. این امر به‌ویژه در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات که ماهیت و تنوع فرصت‌ها و محدودیت‌ها فی‌نفسه از پیچیدگی و چالش‌های متفاوتی برخوردار است، از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است.

بنابراین روش‌های فعال؛ از قبیل روش‌های پروژه، شیوه‌های تجربی و عملی و حل مسئله برای تدریس کارآفرینی مناسب‌ترند و بلکه استفاده از آن‌ها ضرورتی انکارناپذیر به شمار می‌رود. در همین رابطه، توجه به بینش پیرامونی و بهره بردن از آن در تدریس کارآفرینی اهمیتی دو چندان دارد؛ بینش پیرامونی، یک توانایی مهم و اساسی در کارآفرینی و توجه گسترده‌تر به فرصت‌های راه‌اندازی کسب و کارهای نوپاست که با

1 Potter

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

طرق مختلف، قابل یاددهی و یادگیری است، بنابراین در رویکردهای تدریس کارآفرینی نباید از آن غفلت کرد.

از سوی دیگر، گاهی اوقات آموزش کارآفرینی، کاری پرزحمت و پرهزینه تلقی می‌شود که به‌منظور اجرای بهینهٔ آن زمان بسیاری مورد نیاز است. در حالی که یکی از رویکردهایی که در عین سادگی، کارآمدی آن در تحقیقات مختلف به اثبات رسیده است، عبارت از کارآفرین به‌عنوان سخنران مهمان است. استفاده از کارآفرینان برای صحبت از تجربیات شکست و پیروزی‌شان می‌تواند به‌عنوان مورد زنده برای بررسی استفاده شود که می‌تواند در دو حوزهٔ مؤثر باشد. اولی محتواست؛ مانند بازاریابی، فروش، توسعه محصول و کسب سرمایه. دوم عمل به‌عنوان الگوی نقش است و بر فرایند و فعالیت‌هایی تمرکز دارد که کارآفرین انجام داده است. بهتر است از سخنگوی مهمان بیشتر برای آموزش نقش استفاده شود؛ زیرا در خصوص محتوا، کتاب‌ها، مجلات و منابع آموزشی بسیاری وجود دارد.

علاوه بر این می‌توان راهبردهای زیر را با تأکید بیشتر مورد توجه قرار داد:

۱. رویکرد پروژه: کارآفرینی یک اقدام مستمر و هدفمند و دارای مراحل و گام‌های متنوع است؛ بنابراین اجرای پروژه‌های فردی و گروهی در دروس مختلف می‌تواند یادگیرنده را با چنین مراحلی آشنا کند.

۲. توسعهٔ بینش پیرامونی: در شناسایی فرصت‌های جدید و نیز در شناسایی بازار جدید برای کالاهای موجود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ضرورت این شایستگی‌ها در کارآفرینی بر کسی پوشیده نیست.

۳. راهبردهای یاددهی و یادگیری همیارانه و مشارکتی: فرآیند یادگیری تعاونی و مشارکتی، مستلزم ایجاد شبکه‌های ارتباطی مؤثر و اثربخش با سایر دانش‌آموزان، معلمان، مسئولان مدرسه و گاه خارج از آن است. فرآیند

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

کارآفرینی نیز بدون شبکه‌سازی و پیوندهای ارتباطی مؤثر موفقیتی کسب نخواهد کرد.

۴. موقعیت‌های شبیه‌سازی شده و تدوین طرح کسب و کار: این شیوه ممکن است با مقداری هزینه برای مدارس و مراکز آموزشی همراه باشد؛ لیکن سودی که در آینده و یا حتی به هنگام اجرای طرح، عاید نظام آموزشی و به تبع آن کل کشور خواهد شد، قابل مقایسه با این هزینهٔ اندک نیست.

۵. تأکید بر الگوهای استقرایی: کارآفرینی با میزانی از ابهام همراه است و هیچ‌کدام از رویکردهای یاددهی و یادگیری به‌اندازهٔ شیوهٔ استقرایی نمی‌تواند موجب شود دانش‌آموزان، در هر مرحله از یادگیری خود، درجاتی از ابهام را تحمل کنند. الگوهای استقرایی، پیوسته اطلاعاتی اندک و محدودی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند و ایشان باید از طریق مواجهه با ابهام موجود در این شواهد و داده‌ها نسبت به تفسیر، استنباط و گاه تخیل اقدام و تلاش کنند با به چالش کشیدن دیدگاه‌ها و زمینه‌های ذهنی خود به این اطلاعات خام معنا ببخشند و گاه در این مسیر ناچار به نادیده گرفتن یا انکار بدیهیات ذهنی خود می‌شوند و کارآفرینی و شایستگی‌های مختلف موجود در آن، یادگیری و تمرین این موارد را الزامی می‌سازد.

پرسش ۴- یافته‌های پژوهشی، رویکردهای ارزشیابی از برنامهٔ درسی کارآفرینی در دورهٔ آموزش عمومی را چگونه تبیین می‌کند؟

یکی از موضوعاتی که امروزه از جانب بسیاری از ذی‌نفعان آموزش کارآفرینی مورد توجه قرارگرفته است، چگونگی ارزشیابی تأثیر آموزش‌های کارآفرینی است (ماتلی، ۲۰۰۵؛ چارنی و لیبکیپ[1]، ۲۰۰۰). از جمله مواردی که باعث شده از گذشته تاکنون،

1 Charney,& Libecap

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

بحث در مورد قابل آموزش بودن کارآفرینی ادامه داشته باشد، فقدان شاخص‌های معین برای سنجش تأثیر آموزش کارآفرینی بوده است. یکی از چالش‌های ارزشیابی تأثیر آموزش کارآفرینی انتخاب شاخص‌هایی است که مقبولیت عمومی داشته باشد؛ به‌عبارت‌دیگر آن‌گونه که ادواردلیچ[1] (۲۰۰۸) بیان می‌کند؛ ذی‌نفعان آموزش کارآفرینی، افرادی با دیدگاه‌ها، علایق و توانمندی‌های متفاوت هستند که برمبنای دیدگاه‌های خود به کارآفرینی نگاه می‌کنند؛ وجود چنین دیدگاه‌ها و عقاید متنوعی موجب چالش‌های فراوان در ارزشیابی تأثیر آموزش کارآفرینی شده است.

نتایج تحقیقات مختلف (سلیمی، ساعدپناه، مرادی و محمدی، ۱۳۹۴؛ شکرالهی، ۱۳۸۵؛ فتح‌آبادی، ۱۳۸۵؛ لطف‌آبادی، ۱۳۸۵) در زمینهٔ شیوه‌های ارزشیابی نشان داده است که شیوه‌های ارزشیابی جدید (مانند مشاهده، چک لیست و پوشهٔ کار) شرایط لازم را برای رشد دانش و معلومات، توانایی‌ها و مهارت‌های شناختی و فراشناختی و توسعهٔ نگرش‌های یادگیرندگان فراهم می‌آورند.

همچنین بر اساس هر یک از اهداف کارآفرینی نیز شیوهٔ ارزشیابی برنامهٔ درسی کارآفرینی متفاوت خواهد بود؛ بر این اساس ماسالویبا (۲۰۰۸) به بررسی ۱۷ مقاله مرتبط با ارزشیابی تأثیر آموزش کارآفرینی پرداخته، شیوه‌های ارزشیابی آموزش کارآفرینی را برحسب بالاترین رتبه گروه‌بندی کرده است. بیشتر تحقیقات انجام گرفته در خصوص ارزشیابی آموزش کارآفرینی بر یک برنامهٔ خاص و نتایج فوری آن تمرکز داشته‌اند. مهم‌ترین عوامل در ارزشیابی اثربخشی کارآفرینی عبارت‌اند از: شروع کسب و کار توسط دانش‌آموختگان، نوآوری، آگاهی عمومی نسبت به کارآفرینی (لیبنبرگ و ماتیوس[2]، ۲۰۱۲)، علاقه به کارآفرینی (رای، مارتین، انتکلیف و هانون[3]، ۲۰۱۲)، نمرات امتحانی (مینیتی و بایگریو[4]، ۲۰۰۱)، عملکرد کسب و کار نوپا (موجیکا، گبرمدین و

1 EdwardLeach
2 Liebenberg,& Mathews
3 Rae, D., Martin, L., Antcliff, V., & Hannon
4 Minniti,& Bygrave

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

شافر[1]، ۲۰۱۰)، نگرش‌ها و نیات انجام کارآفرینی (لایتهلم[2]، ۲۰۰۷)، رضایت دانش‌آموختگان/ یادگیرندگان (جونز، ۲۰۱۰)، خدمت به جامعه (رای و همکاران، ۲۰۱۲) و انتقال فنّاوری (کوپ[3]، ۲۰۱۱).

میزان مطالعات انجام گرفته در زمینهٔ ارزشیابی کارآفرینی، بسیار محدودتر از سایر عناصر برنامهٔ درسی در این حوزه است. لیکن می‌توان گفت روش‌های ارزشیابی مناسب در الگوی برنامهٔ درسی کارآفرینی برای دورهٔ آموزش عمومی باید با توجه به سه مؤلفهٔ دانش، نگرش و توانش مطرح شوند. در حیطهٔ دانش می‌توان از رویکردهایی همچون مشاهده، چک‌لیست، پوشهٔ کار و پرسش و پاسخ بهره گرفت. در حوزهٔ نگرش، روش‌هایی نظیر مشاهده، خودارزیابی و آزمون‌های خود سنجی مانند آزمون خلاقیت متداول‌اند و در زمینهٔ مهارتی، رویکردهایی چون ارزشیابی عملکردی، خودارزیابی، انجام پروژه‌های فردی و گروهی را می‌توان نام برد.

زمانی که اهداف دوره‌های آموزش کارآفرینی با نگاهی دقیق و موشکافانه تعریف شوند، زمینهٔ ارزشیابی دوره‌ها مبتنی بر اهداف، سهل‌تر خواهد بود؛ بنابراین ضروری است برای بررسی میزان دستیابی به هر دسته از اهداف، معیارها و شاخص‌های لازم شناسایی و تعریف گردند. همچنین در ارزشیابی‌های آموزشی علاوه بر روش‌های نظری مانند کسب نمره در آزمون‌های قلم و کاغذی و گذراندن دروس کارآفرینی، بیشتر از شیوه‌های عملی و پروژه مانند نوشتن طرح‌های کسب و کار متناسب با نیاز کشور همراه با امکان‌سنجی عملی طرح‌ها استفاده شود. سومین نکتهٔ مورد توجه آن است که به‌منظور اطمینان از اثربخشی دوره‌های آموزشی، میزان شروع کسب و کار جدید و یا راه‌اندازی کسب و کار توسط فارغ‌التحصیلان دوره‌های آموزش کارآفرینی به‌عنوان معیاری برای ارزیابی اثربخشی آموزش‌ها مدنظر قرار گیرد.

آنچه در ارزشیابی از فرآیندها، شایستگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه از اهمیت ویژه برخوردار است، توجه به این نکتهٔ ظریف است که هدف از ارزشیابی، نباید

1 Mojica,, Gebremedhin, & Schaeffer
2 Ligthelm
3 Cope

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

اختصاص نمره یا تصمیم‌گیری به‌منظور ارتقا باشد؛ بلکه ارزشیابی‌ها از نوع فرآیندی و بازخورد حاصل از آن به‌منظور بهبود راهبردهای یاددهی و یادگیری و برطرف کردن نقاط ضعف احتمالی است تا دانش‌آموزان بتوانند با اعتماد به نفس و توانمندی بیشتر در مسیر عمل گام بردارند.

بحث و نتیجه‌گیری

در رابطه با شایستگی‌های کارآفرینانه می‌توان از شناسایی و ارزیابی فرصت، مدیریت ریسک، حل مسئله خلاقانه، خلق ارزش و استفاده از شبکه‌ها نام برد (موریس[1]، ۲۰۱۳؛ سانچز[2]، ۲۰۱۳). یادگیری کارآفرینانه تأکید دارد که کارآفرینان این شایستگی‌ها را کسب می‌کنند (کوپ، ۲۰۰۵). یادگیری کارآفرینانه بر ایده‌های کسب شایستگی‌های کارآفرینانه از طریق تجاربی متمرکز شده که کارآفرینان از یادگیری با انجام دادن، فعالیت‌های روتین، رویدادهای غیرمستمر، شکست و ناکامی، تأمل و نیز تجربهٔ حاصل از رویدادهای زندگی، می‌آموزند. همچنین روش‌های مطرح شده بر شیوه‌های یادگیری کلی و عمومی کارآفرینان و بزرگسالان تأکید دارد که فرض می‌شود نسبت بالایی از یادگیری فعال برای توانایی حلّ مسئله، اعتماد به نفس و خودباوری حائز اهمیت است. شیوه‌های آموزشی مطرح شده عبارت‌اند از سناریوها، ایفای نقش و تجارب کسب‌وکار واقعی، بحث‌های مطالعهٔ موردی و شبیه‌سازی کسب‌وکار، پروژه‌های زنده، مشاهدهٔ فعالیت‌های همسالان و همتایان و یادگیری از ایشان و یادداشت‌های تأملی.

اگرچه اغلب مطالعات نشان می‌دهند که کارآفرینان با غیر کارآفرینان تفاوت دارند، هیچ توضیح روشنی دربارهٔ جزئیات این تفاوت وجود ندارد. همچنین محققان زیادی، پرسش دربارهٔ کارآفرین به‌عنوان فردی که به شکل متفاوت عمل می‌کند یا یاد می‌گیرد را مردود می‌شمارند (راموغلو[3]، ۲۰۱۳؛ هارملینگ و ساراسواتی[4]، ۲۰۱۳)؛ هیچ چیز

1 Morris
2 Sanchez
3 Ramoglou
4 Harmeling,& Sarasvathy

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

منحصر به فردی دربارهٔ افرادی که عمل کارآفرینانه انجام می‌دهند وجود ندارد؛ بنابراین در واقع کارآفرینان نیز مانند تمام بزرگسالان دیگر یاد می‌گیرند. تفاوت‌ها در آموزش کارآفرینی، ریشه در تعاریف متنوع مؤلفان در خصوص مسائل محوری دارد تا تفاوت‌های زمینه‌ای (ماسالویبا، ۲۰۱۰).

در مجموع، سه تِم کلی تدارک آموزش کارآفرینی عبارت‌اند از:

۱. دوره‌های مبتنی بر نظریه که محتوای مورد تدریس آن‌ها «دربارهٔ» کارآفرینی (پیپروپوندوس و دیموی[1]، ۲۰۱۴) و هدف اصلی‌شان، افزایش آگاهی دربارهٔ کارآفرینی، تشویق دانش‌آموزان به انتخاب کارآفرینی به‌عنوان یک انتخاب شغل بالقوه (فایول و گایلی[2]، ۲۰۱۳) و در نظر داشتن خوداشتغالی (کلاپر و تگتمایر[3]، ۲۰۱۰) است. این مورد از بیشترین فراوانی در مطالعات برخوردار است (هونیگ[4]، ۲۰۰۴). همچنین به‌طورکلی، موضوعات مربوط به مدیریت همانند بازاریابی و مدیریت مالی (کوراتکو[5]، ۲۰۰۵) و دوره‌های مدیریت بازرگانی (سولومون، ۲۰۰۷) و محتوای نظری کارآفرینی شامل ویژگی‌های کارآفرینانه، خصوصیات شخصیتی، موفقیت اقتصادی، نحوهٔ تفکر کارآفرینانه و آگاهی کارآفرینانه (پیپروپوندوس و دیموی، ۲۰۱۴) ذیل این مجموعه قرار می‌گیرند. برای این تم، تدریس اغلب معلم‌محور است و روش‌های تدریس غالب عبارت‌اند از: سخنرانی، سخنرانان مهمان و مطالعات موردی. از کتاب‌های درسی به وفور استفاده می‌شود (فایول و گایلی، ۲۰۰۸).

1 Piperopoulos,& Dimov
2 Fayolle,& Gailly
3 Klapper,& Tegtmeier
4 Honig
5 Kuratko

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

۲. دوره‌های مبتنی بر عمل که اساس محتوای آن‌ها، تدریس «برای» کارآفرینی (پیپروپوندوس و دیموی، ۲۰۱۴) و هدف آن‌ها تشویق دانش‌آموزان و ارتقاء تمایلات ایشان برای کارآفرین شدن در آینده است. محتوای برنامه‌های درسی برای این تِم بر اساس رویکردهای مهارتی تنظیم شده که در پی تربیت دانش‌آموزان دربارهٔ مکانیسم‌های ادارهٔ کسب و کار است (بنت[1]، ۲۰۰۶). محتوای این تِم با هدف ارائهٔ کارپوشه‌ای از تکنیک‌ها به‌منظور تشویق عمل کارآفرینی تهیه می‌شود و شامل خلق ایده‌ها، ایجاد گروه، طراحی کسب و کار، خلاقیت، نوآوری، الهام‌بخشی، شناسایی فرصت، فروش، شبکه‌سازی، ماهیت غیرقابل پیش‌بینی و تصادفی کارآفرینی، سازگاری با تغییر و ناکامی و استقبال از آن است (پیپروپولوس ودیموی، ۲۰۱۴؛ فایول و گایلی، ۲۰۱۳). همچنین بحث فزاینده‌ای دربارهٔ مفهوم یادگیری با انجام دادن و روش‌های تدریس تجربی مطرح شده است (فایول و گایلی، ۲۰۱۳). از جمله رویکردهای تدریس غالب در این تم، شبیه‌سازی (هونیگ، ۲۰۰۴)، فعالیت‌های خود هدایتی، تدریس تیمی صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران، منتورینگ و ایجاد شبکه با کارآفرینان (پیپروپولوس و دیموی، ۲۰۱۴) است. دانش‌آموزان فعال هستند، ایفای نقش و وانمود کردن مهارت‌های کارآفرینی به جای اقدام واقعی کارآفرینانه، تفاوت اصلی بین این تِم و تِم بعدی است که عبارت از تدریس از «طریق» کارآفرینی است (وینست و فارلو، ۲۰۰۸).

۳. دوره‌هایی که محتوای آن‌ها «از طریق» کارآفرینی تدوین شده و هدف آن، تربیت و فارغ‌التحصیل کردن کارآفرینان (وینست و فارلو[2]، ۲۰۰۸)، حمایت از

1 Bennett
2 Vincett, & Farlow

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

خلق کسب و کار جدید (لاندکویست و میدلتون[1]، ۲۰۱۳) و رشد شایستگی‌های کارآفرینانه (بریج، هیگارتی و پورتر[2]، ۲۰۱۰) است. محتوای برنامه‌های درسی این تِم، مشابه با تدریس «برای» کارآفرینی هستند؛ با این تفاوت که این تم، یادگیری را از طریق کارآفرینی در دنیای واقعی ارائه می‌کند تا دانش‌آموزان را قادر به تجربهٔ کارآفرین بودن کند، نه وانمود ساختن آن (وینست و فارلو، ۲۰۰۸) و امکان درکی اصیل از نیروهای موجود در بازار را فراهم آورد (دباغ و مناسچه[3]، ۲۰۰۶). برخی از روش‌های تدریس پیشنهادی این تِم عبارت‌اند از؛ شبیه‌سازی خلق کسب و کارها با درگیر ساختن شخص (کلاپر و تگتمایر، ۲۰۱۰)، تدوین و پروردن طرح‌های کسب‌وکار (وینست و فارلو، ۲۰۰۸)، انترنی برای خلق و اجرای کالاهای نوآورانه برای مشتریان واقعی (وانگ و ورزات[4]، ۲۰۱۱) و پروژه‌های زنده که در آن دانش‌آموزان با هم و با افراد واقعی در کسب‌وکارها تعامل و همکاری دارند (چانگ و ریپل[5]، ۲۰۱۳).

نکتهٔ قابل توجه این بود که اگرچه اغلب مطالعات به نوعی به یک یا چند عنصر برنامهٔ درسی کارآفرینی اشاره داشتند ولی تنها تعداد محدودی از آن‌ها به تفصیل و با جزئیات دقیق به بیان این عناصر پرداخته بودند و اغلب صرفاً به ذکر موارد و عناوین اکتفا شده بود که خود این امر می‌تواند دلیلی بر افزایش اختلاف نظرات و اعمال سلیقه‌های شخصی در تدوین اهداف، محتوا، شیوه‌های یاددهی و یادگیری و نیز ارزشیابی این حوزه باشد. تقریباً در یک سوم مطالعات بررسی‌شده در این تحقیق، اصلاً

1 Lundqvist,& Middleton
2 Bridge., Hegarty, & Porter
3 Dabbagh,& Menascé
4 Wang,& Verzat
5 Chang,& Rieple

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

به محتوای برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس پرداخته نشده بود. به‌علاوه، درحالی‌که روش‌های تدریس مورداستفاده در تدریس تِم از طریق کارآفرینی، بیشترین همبستگی را با توصیه‌های یادگیری کارآفرینانه برای بهترین اقدام (بسترسازی، منتورینگ و انترنی) دارد، این شیوه‌های تدریس از فراوانی بسیار اندکی در بین مقالات مورد مطالعه برخوردار بودند (تنها ۲۲ مقاله).

جدول ذیل بر اساس ترکیبی از مطالعات فوق‌الذکر تنظیم و در آن، شرایط مطلوب برای عناصر چهارگانه برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی بر اساس نتایج این مطالعات به تفکیک مقاطع مختلف دورهٔ آموزش عمومی آمده است:

طبقه‌بندی اهداف، محتوا، روش تدریس و فعالیت‌ها بر اساس دوره‌های تحصیلی

مقطع آموزشی	اهداف کلان	محتوا	روش تدریس	رویکردهای ارزشیابی
ابتدایی	- آموزش دربارهٔ کارآفرینی؛ آشنایی با مفاهیم و اصطلاحات اقتصادی مرتبط با کار و حرفه، علوم اقتصادی و کارآفرینی، ایجاد نگرش و سوگیری مثبت نسبت به کارآفرینی، تبادل ایده‌ها و علاقه‌مندی به مشارکت در دنیای کار واقعی	مباحث نظری کارآفرینی (مفاهیم، اصول و نظریه‌ها)	سخنرانی، سخنران مهمان، داستان موردی	آزمون‌های قلم و کاغذی، شفاهی، مشاهده، چک‌لیست
دورهٔ اول متوسطه	- آموزش دربارهٔ کارآفرینی و - آموزش از طریق کارآفرینی؛	مهارت‌های مدیریتی عمومی و شخصی	سخنرانی، بحث و گفتگو، حلّ مسئله،	پروژه‌های فردی و گروهی، حلّ معماهای

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

مقطع آموزشی	اهداف کلان	محتوا	روش تدریس	رویکردهای ارزشیابی
	آشنایی با مفهوم و ارزش پول و شیوه‌های کسب درآمد، آشنایی با مفاهیم بازار، عرضه و تقاضا، تلاش برای ایده‌پردازی و نوآوری، تقویت ویژگی‌های عمومی کارآفرینی همچون کنجکاوی، خلاقیت، تفکر انتقادی، ریسک‌پذیری و ... جستجوی بازار و فرصت‌های جدید، تقویت بینش پیرامونی به‌منظور توجه بهتر و بیشتر به محیط اطراف و بهبود توانایی شناسایی فرصت‌ها		ایفای نقش، کار گروهی	تجاری، خدماتی و مدیریتی، کارپوشه و مشاهده
دورهٔ دوم متوسطه	- آموزش دربارهٔ کارآفرینی - آموزش از طریق کارآفرینی - آموزش برای کارآفرینی؛ بازدید از دنیای کار واقعی؛ ملاقات با صاحبان مشاغل و کارآفرینان در مدرسه و خارج از آن، کارورزی،	کسب تجارب واقعی در قالب فعالیت‌های عملی	پروژه، شبیه‌سازی، بازدید، تدوین طرح شغل	مشاهده، کارپوشه، نمونه کار، تدوین طرح کسب و کار، راه‌اندازی کسب و کار

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

مقطع آموزشی	اهداف کلان	محتوا	روش تدریس	رویکردهای ارزشیابی
	شبکه‌سازی و ایجاد پیوندهای ارتباطی اثربخش، مهارت‌های تدوین و ارائهٔ طرح کسب و کار، ویژگی‌ها و شایستگی‌های مختلف کارآفرینانه همچون نوآوری، شناسایی فرصت، ریسک‌پذیری، شبکه‌سازی، جذب سرمایه و راه‌اندازی کسب و کار شبیه‌سازی شده، شرکت در رقابت‌های مدرسه‌ای و بین مدرسه‌ای			شبیه‌سازی شده و ارزیابی آن

منابع

- آراستی، زهرا؛ حیدری، هومان و مبارکی، محمدحسن (۱۳۹۳)، ارزیابی اثربخشی روش آموزش کارآفرینی «سخنران مهمان»، *توسعه کارآفرینی*، ش ۲۵، : ۳۸۹-۴۰۶.

- ادیب حاج‌باقری، محسن؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش (۱۳۹۲)، *روش‌های تحقیق کیفی*: انتشارات بشری، چاپ چهارم.

- امیری، الهام (۱۳۸۴)، استانداردهای محتوایی آموزش کارآفرینی، *کار و جامعه*، ش ۶۶ : ۱۰۶-۷۹.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

- حسینی‌خواه، علی؛ سلیمی، جمال و رستگار، احمد (۱۳۸۶)، «آیا می‌توان کارآفرینی را آموزش داد؟»، *کار و جامعه*، ش ۸۹ و ۹۰ : ۴۸-۴۲.

- زالی، محمدرضا؛ رضوی، مصطفی و کردنائیچ، اسدالله (۱۳۸۶)، آموزش کارآفرینی به‌عنوان یک حوزهٔ علمی نوظهور، *کار و جامعه*، ش ۸۷ و ۸۸ : ۱۱-۴.

- سلیمی، اکبر؛ ساعدپناه، ساحله؛ مرادی، جلال و محمدی، مهدی (۱۳۹۴)، *طراحی واحد آموزشی کارآفرینی در سطح متوسطه: اهداف، محتوا، روش و ارزشیابی*، همایش ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز.

- شاهماری سوها، فضایل؛ آدیگوزلی، مدینه و منافی شرف‌آباد، کاظم (۱۳۸۹)، *اهداف آموزش کارآفرینی و نقش آن در توسعه پایدار*، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان.

- شرفی، محمد؛ مذبوحی، مسعود و مقدم، مینا (۱۳۹۱)، برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی؛ هدف، محتوا، روش تدریس و شیوه ارزشیابی، *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، س ۱، ش ۳ : ۱۳۰-۹۷.

- شورت، ادموند. سی (۱۳۸۷)، *روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی*، ترجمهٔ محمود مهرمحمدی و همکاران: انتشارات سمت و پژوهشگاه مطالعات آموزش‌وپرورش.

- شیخان، ناهید (۱۳۸۶)، آموزش و ترویج کارآفرینی در میان دانش‌آموزان، *اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، ش ۲۴۶-۲۴۵: ۳۸۱-۲۷۲.

- عبدالله‌زاده، غلامحسین؛ شریف‌زاده، ابوالقاسم؛ عربیون، ابوالقاسم و طلایی، مهدی (۱۳۹۱)، شناسایی و اولویت‌بندی سرفصل‌ها و محتوای دوره‌های آموزش کارآفرینی بر اساس کارکردهای کسب و کار، *نامهٔ آموزش عالی*، ش ۱۸، : ۱۱۴-۸۹.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

- علی میری، مصطفی (۱۳۸۷)، آموزش کارآفرینی؛ پیدایش، توسعه، گرایش‌ها و چالش‌ها، *فصلنامهٔ توسعه کارآفرینی*، س ۱، ش ۱: ۱۶۷– ۱۳۱

- فتح آبادی، جمال (۱۳۸۵)، *بررسی تأثیر ارزشیابی توصیفی و کیفی در تحقق هدف‌های شناختی، عاطفی و روانی حرکتی*؛ شورای تحقیقات آموزشی سازمان آموزش‌وپرورش استان مرکزی.

- کردنائیج، اسدالله و زالی، محمدرضا (۱۳۸۷)، آموزش کارآفرینی در نظام تعلیم و تربیت کشور، *کار و جامعه*، ش ۹۷–۹۶: ۱۳–۴.

- گرانلی شیخ، رقیه (۱۳۹۰)، *آموزش کارآفرینی، نقش معلم و ارائهٔ روش تدریس کارآفرینانه*، اولین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی کشور.

- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۵)، نقش سنجش و ارزشیابی در فرایند یاددهی– یادگیری، *نوآوری‌های آموزشی*، وزارت آموزش‌وپرورش، ش ۸۱: ۸۴–۴۷

- مقیمی، سیدمحمد و احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۵)، *مبانی کارآفرینی*، نشر فراندیش.

- میرسعیدی، گلنوش و کی‌ارسلان، سعیده (۱۳۹۰)، *بررسی روش‌های نوین تدریس کارآفرینی*، اولین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی کشور.

- وفایی، وجیهه (۱۳۹۱)، شناسایی روش‌های یاددهی اثربخش جهت پرورش کارآفرینان نوپا در آموزش‌های کارآفرینی، *کار و جامعه*، شماره ۱۵۰ : ۵۵–۴۶.

- یداللهی فارسی، جهانگیر و میرعرب‌رضی، رضا (۱۳۸۸)، بررسی ارائهٔ برنامهٔ درسی آموزش کارآفرینی در رشتهٔ علوم تربیتی، *توسعه کارآفرینی*، دورهٔ ۲، ش ۳، : ۸۰–۶۱.

- Bennett, R. (2006). Business lecturers' perceptions of the nature of entrepreneurship. *International Journal of Entrepreneurial*

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

Behavior & Research, 12, 165–188.
http://dx.doi.org/10.1108/13552550610667440
- Blenker, p.(2008) "A framework for developing entrepreneurship education in a university context'' *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, Vol. 5, No. 1, 2008.
- Bridge, S., Hegarty, C., & Porter, S. (2010). Rediscovering enterprise: Developing appropriate university entrepreneurship education. *Education and Training, 52*, 722–734.
- Brockhaus, R. (2003), "Entrepreneurship education: A research agenda", in F. Hoy and T. G. Monroy and J. Reichert (eds.), The Art & Science of Entrepreneurship Education, Monroy Educational Systems, Berea, CA.
- Chang, J., & Rieple, A. (2013). Assessing students'entrepreneurial skills development in live projects. *Journal of Small Business and Enterprise Development, 20*, 225–241.
http://dx.doi.org/10.1108/14626001311298501
- Charney, A. and Libecap, G. (2000). "*The impact of entrepreneurship education: an evaluation of the Berger Entrepreneurship Program at the University of Arizona, 1985-1999"* , May report to The Kauffman Centre for Entrepreneurial Leadership, Kansas City, MO.
- Cope, J. (2011). Entrepreneurial learning from failure: An interpretative phenomenological analysis. *Journal of Business Venturing, 26*, 604–623.
http://dx.doi.org/10.1016/j.jbusvent.2010.06.002
- Dabbagh, N., & Menascé, D. (2006). Student perceptions of engineering entrepreneurship: An exploratory study. *Journal of Engineering Education, 95*, 153–164.
http://dx.doi.org/10.1002/jee.2006.95.issue-2
- Dunn, R. (2004). Learning style: State of the science. *Theory into Practice. 23* (1),10-19.
- Erkkila, K. (2000). *Entrepreneurial education Mapping the debates in the United States, the United Kingdom and Finland*. New York, NY: Garland Publishing.
- EdwardLeach, C. (2008). "*An Investigation of Training in Creative Problem Solving and its Relationship to Affective and Effective Idea Generation of Entrepreneurial Learners*'' A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Computing Technology in Education,

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

Graduate School of Computer and Information Sciences Nova Southeastern University.
- Fayolle, A., & Gailly, B. (2013). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurial attitudes and intention: Hysteresis and persistence. *Journal of Small Business Management, 51*, 315–328.
- Gartner, W. & Vesper, K. (2004). Experiments in entrepreneurship education: Success and failures. *Journal of Business Venturing. 9*(3), 179-181.
- Golff, L.(2004). A New Paradigm for Business Education. *Management Decision,* Vol.42, 3/4. pp. 499-507.
- Harmeling, S., & Sarasvathy, S. (2013). When contingency is a resource: Educating entrepreneurs in the Balkans, the Bronx, and beyond. *Entrepreneurship: Theory and Practice, 37*, 713–744.

- Heinonen, J. and Poikkijoki, S. (2006). An entrepreneurial directed approach to entrepreneurship education: mission impossible? Journal of Management Development. Vol. 25 No. 1, pp. 80-94.

- Hussain, J, Scott JM, Hannon P .(2008). *The new generation: characteristics and motivations of BME graduate entrepreneurs*. Education Training (50): 582-596.
- Hegarty, C.(2006). *It's not an exact science: teaching entrepreneurship in Northern Ireland*. Education þ Training .Vol. 48 No. 5, pp. 322-335.
- Honig, B. (2004). Entrepreneurship education: Toward a model of contingency-based business planning. *Academy of Management Learning and Education, 3*, 258–273. http://dx.doi.org/10.5465/AMLE.2004.14242112
- Hytti & O'Gorman (2004), "What is enterprise education? An analysis of the objectives and methods of enterprise education programmes in four European countries", Education + Training, Vol. 46, no.1
- Johannisson, B. & Olaison, L. (2008). Emergency Entrepreneurship – Creative Organising in the Eye of the Storm, RENT XX Conference, Brussels, Belgium, 23-24.11.2006. Published in Conference Proceeding.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

- Kickul, J., Gundry, L.K., Barbosa, S.D. and Simms, S. (2010) '*One style does not fit all: the role of cognitive style in entrepreneurship education*', Int. J. Entrepreneurship and Small Business, Vol. 9, No. 1, pp.36–57.
- Klapper, R., & Tegtmeier, S. (2010). Innovating entrepreneurial pedagogy: Examples from France and Germany. *Journal of Small Business and Enterprise Development, 17*, 552–568. http://dx.doi. org/10.1108/14626001011088723
- Kuratko, D. (2005). The emergence of entrepreneurship education: Development, trends, and challenges. *Entrepreneurship Theory and Practice, 29*, 577–598. http://dx.doi.org/10.1111/etap.2005.29.issue-5
- Kyro, P. (2003) *Entrepreneurship pedagogy-the current state and some future expectations*, Internationalizing entrepreneurship education and training conference, Grenoble.
- Liebenberg, L., & Mathews, E. (2012). Integrating innovation skills in an introductory engineering design-build course. *International Journal of Technology and Design Education, 22*, 93–113. http://dx.doi.org/10.1007/s10798-010-9137-1
- Ligthelm, A. (2007). Survival analysis of small informal businesses in South Africa 2007–2010. *Eurasian Business Review, 1*, 160–179.
- Lonappan, J, and Devaraj, K. (2011). Pedagogical Innovations in Teaching Entrepreneurship. In: *Eighth AIMS International Conference on Management*, January 1-4, 513-518.
- Luczkiw, Eugene.(2008).*Entrepreneurship Education in an Age of Chaos,Complexity and Disrupti ve Change*. OECD Education & skills.No.18.pp.65-93
- Lundqvist, M., & Williams Middleton, K. (2013). Academic entrepreneurship revisited—university scientists and venture creation. *Journal of Small Business and Enterprise Development, 20*, 603–617. http://dx.doi.org/10.1108/JSBED-04-2013-0059
- Matley, H. (2005), "*Researching entrepreneurship and education, Part 1: What is entrepreneurship and does it matter?*", EducationTraining, Vol. 48 Nos 8/9, pp. 665-77.
- Minniti, M., & Bygrave, W. (2001). A dynamic model of entrepreneurial learning. *Entrepreneurship: Theory & Practice, 25*, 5–12.
- Mojica, M. N., Gebremedhin, T. J., & Schaeffer, P. V. (2010). A county-level assessment of entrepreneurship and economic

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

development in Appalachia using simultaneous equations. *Journal of Developmental Entrepreneurship, 15*, 3–18. http://dx.doi.org/10.1142/S1084946710001452

- Morris, M., Webb, J., Fu, J., & Singhal, S. (2013). A competency-based perspective on entrepreneurship education: Conceptual and empirical insights. *Journal of Small Business Management, 51*, 352–369. http://dx.doi.org/10.1111/jsbm.2013.51.issue-3
- Mwasalwiba, E.S.(2008). Entrepreneurship education: a review of its objectives, teaching methods, and impact indicators. *Education + Training* Vol. 52 No. 1,pp. 20-47
- Myrah, K. & Currie, R. (2006). Examining Undergraduate Entrepreneurship Education, *Journal of Small Business and Entrepreneurship*, 19(3), 233-254.
- Neck, H, M., Greene, P, G. (2011). Entrepreneurship Education: Known Worlds and New Frontiers. *Journal of Small Business Management*, 49(1), 55–70.
- Piperopoulos, P., & Dimov, D. (2014). Burst bubbles or build steam? Entrepreneurship education, entrepreneurial self-efficacy, and entrepreneurial intentions. *Journal of Small Business Management*, *52*(2). doi:10.1111/jsbm.12116
- Potter, J. (2008). *Entrepreneurship and Higher Education: Future Policy Directions.* OECD Education & skills.No.18.pp.313-335.
- Rabbior, G. (2000). "*Elements of a Successful Entrepreneurship/Economics /Education Program*" Entrepreneurship Education: Current Developments, Future Directions.Ed. Calvin A. Kent. New York: Quorum Books.
- Rae, D., Martin, L., Antcliff, V., & Hannon, P. (2012). Enterprise and entrepreneurship in English higher education: 2010 and beyond. *Journal of Small Business and Enterprise Development, 19*, 380–401.
- Ramoglou, S. (2013). Who is a 'non-entrepreneur'?: Taking the 'others' of entrepreneurship seriously. *International Small Business Journal, 31*, 432–453. http://dx.doi. org/10.1177/0266242611425838
- Sanchez, J. (2013). The impact of an entrepreneurship education program on entrepreneurial competencies and intention. *Journal of Small Business Management, 51*, 447–465. http://dx.doi.org/10.1111/jsbm.2013.51.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]

- Shotick, J. A. (2001). The Impa Rabbior ct of Children's Theatre on the Comprehension of Fundamental Economic Concepts. *Journal of Entrepreneurship education*, 1, 1, 41-50.
- Solomon, G., Duffy, S. & Tarabishy, A. (2002). The state of entrepreneurship education in the United States: a national survey and analysis. *International Journal of Entrepreneurship Education, 1*(1), 65-86.
- Solomon, G. (2007). An examination of entrepreneurship education in the United States. *Journal of Small Business and Enterprise Development, 14*(2), 168-182.
- Solomon,G.(2008). *Entrepreneurship education in the united states*. OECD Education & skills.No.18.pp.95-118
- Stephenson, H. B. (2007). Examining the Efficacy of Offering Service Learning for Credit with SIFE and SBI: an Exploratory Study. – *Journal of Entrepreneurship Education*, 1, 1, 1-13.
- Timmons, J. & Stevenson, H. (2005). Entrepreneurship education in the 1980s: What entrepreneurs say. In John J. Kao and Howard H. Stevenson (Eds.),*Entrepreneurship What It Is and How to Teach It*. Boston, MA: Harvard College
- Vincett, P., & Farlow, S. (2008). Start-a-business: an experiment in education through entrepreneurship. *Journal of Small Business and Enterprise Development, 15*, 274–288.
- Wang, Y., & Verzat, C. (2011). Generalist or specific studies for engineering entrepreneurs?. *Journal of Small Business and Enterprise Development, 18*, 366–383. http://dx.doi. org/10.1108/14626001111127124
- Wheatley, M. J. (2009). *Leadership and the New Science: Discovering Order in Chaotic World*, 2nd Ed. Berrett-Koehler Publishers, Inc.
- Wilde, K.(2004). *Competence for Complexity*. Renx XVIII 2004. Conference Proceedings CD, www.lok.cbs.dk and www.eiasm.org.
- Zheng, X and Liu,E. (2009). *Can entrepreneurship be taught? The approach to teaching entrepreneurship*, IEEE Explorer.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-11]